

نگاهی به جدیدترین گزارش «انستیتو فریزر»

آمار مهاجرت به کانادا و سهم ایرانیان

آرش کمانگر

انستیتو فریزر یکی از نهادهای پژوهشی وابسته به محافل سیاسی راست کانادا اخیراً ضمن تجزیه و تحلیل آمارهای دولتی در زمینه میزان مهاجرت و سهم ملیت های گوناگون در آن و نیز نحوه تقسیم شدن آنها در شهرها و مناطق مختلف کانادا، گزارشی در خدمت به محافل نژاد پرست و مخالف مهاجرت غیر اروپاییان منتشر نموده است. نویسنده و تهیه کننده این گزارش، مارتین کولاکات (دیپلمات و سفیر سابق) می باشد. تز اصلی گزارش مذکور این است که در آینده ای نزدیک شهرهای بزرگ کانادا دستخوش ناآرامی های نژادی خواهند شد. به مجرد انتشار این پژوهش جدید، جریانات راست افراطی نظیر «اتحاد کانادایی» (دومین حزب پارلمانی کانادا) از آن استقبال نمودند و دعاوی گذشته خود را در مورد ضرورت اصلاح قوانین پناهندگی و مهاجرت تکرار نمودند و در این راستا بار دیگر سیاست های دولت لیبرال را به زیر آتشبار تبلیغاتی خود گرفتند. این حملات در حالی صورت می گیرد که خود حزب حاکم لیبرال در سال های اخیر بر اصلاح قوانین پناهندگی تاکید داشته و در این زمینه امتیازات فراوانی به محافل دست راستی داده است. لازم به تذکر است که دولت کانادا چه در دوره زمامداری محافظه کاران و چه در دوره زمامداری لیبرال ها، به دلیل منافع اقتصادی فراوان ناشی از ورود مهاجرین و نیز نقش این مسئله بر متوازن کردن ترکیب سنی جمعیت کانادا و ورود نیروی کار و یا متخصص (که دولت کانادا هیچ پولی بابت رشد سنی و آموزش آنها صرف ننموده) سالانه بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار مهاجر جدید می پذیرد که تنها کمتر از ۱۵ درصد آنها پناهنده بوده اند.

در این رابطه روز سه شنبه ۲۴ سپتامبر روزنامه «ونکوور سان» به نقل از منابع رسمی دولتی دو جدول آماری مهم را در مورد مشخصات مهاجرت به کانادا منتشر نموده است. جدول اول مربوط به میزان مهاجرت اتباع ده کشور مختلف جهان هستند که طی سالهای ۹۸ و ۲۰۰۰ کانادا بیشترین تعداد مهاجرین را از میان آنها پذیرفته است. بر مبنای داده های آماری این جدول، در سال ۹۸ اتباع متعلق به چین، هند، فیلیپین، پاکستان، هنگ کنگ، تایوان، ایران، کره جنوبی، آمریکا، روسیه، بریتانیا، سری لانکا و یوگسلاوی بیشترین کسانی بودند که به عنوان مهاجر وارد کانادا شدند که البته به دلیل هم زبان بودن و سابقه مشترک چین، هنگ کنگ و تایوان را در یک کاتگوری قرار می دهند. در سال ۹۸ از میان کشورهای فوق الذکر جمعاً ۸۷۴۷۰ نفر به عنوان مهاجر جدید پذیرفته شدند که کمی بیش از ۵۰ درصد کل مهاجرین جدید در آن سال بوده است. از سایر کشورها نیز ۸۶۶۹۲ نفر به عنوان مهاجر (ایمیگرنت) وارد کانادا شدند. بر طبق آمارگیری مذکور در سال ۹۸ از مجموع مهاجرین جدید ۳/۸۹ درصد یا ۶۷۷۵ نفر ایرانی بوده اند.

وضعیت آماری مذکور در سال ۲۰۰۰ به این قرار بوده است. مهاجرین متعلق به کشورهای چین، هند، پاکستان، فیلیپین، کره جنوبی، سری لانکا، آمریکا، ایران، یوگسلاوی، بریتانیا، روسیه، تایوان و هنگ کنگ در صدر جدول با تعداد ۱۲۱۲۷۶ نفر بوده اند که بیش از ۵۳ درصد کل مهاجرین جدید در سال دو هزار بوده است. از میان اتباع سایر کشورها نیز تعداد ۱۰۵۹۳۳ نفر به عنوان مهاجر جدید وارد کانادا شدند که حدود ۴۷ درصد کل مهاجرین جدید در آن سال را تشکیل می دهند. ایرانیان در سال دو هزار با کسب ۲/۴۷ درصد یا با تعداد ۵۶۰۵ در رده هشتم قرار داشتند. با توجه به اینکه ده سال پیش جمعیت ایرانیان ساکن کانادا را حدود ۱۵۰ هزار تخمین می زدند، با آمار گیری اخیر پی می بریم که سالانه پنج تا شش هزار به عنوان مهاجر وارد کانادا می شوند که در این صورت جمعیت ایرانی ساکن کانادا (با توجه به زاد و ولد آنها در این کشور) باید چیزی در حدود ۲۵۰ هزار باشد که با توجه به جمعیت ۳۰ میلیونی کانادا رقم کمی نیست.

دومین جدولی که روزنامه ونکوور سان منتشر نموده و گویا تکیه گاه اصلی گزارش اخیر انستیتو فریزر بوده، مربوط می شود به نحوه پخش شدن یا اسکان مهاجرین در مناطق شهری و حوزه های جغرافیایی کانادا. بر مبنای این آمار گیری شهرهای تورنتو، ونکوور و مونتریال در تمام سه ساله مورد بررسی یعنی سال های ۹۸، ۹۹ و ۲۰۰۰ بخش اعظم

مهاجرین را در خود اسکان دادند. در مرتبه بعدی شهرهای کالگری، اتاوا، ادمونتون و وینی پگ قرار داشتند.

سهم شهر تورنتو به تنهایی در سال ۹۸ بیش از ۷۶ هزار نفر، در سال ۹۹ بیش از ۸۴ هزار نفر و در سال ۲۰۰۰ بیش از ۱۰۸ هزار نفر بوده است. این ارقام در مورد دومین شهر مهاجر پذیر کانادا یعنی ونکوور، به ترتیب ۳۱ هزار، ۳۲ هزار و ۳۳ هزار نفر بوده است. گزارش انستیتو فریزر و نویسنده آن «مارتین کولاکات» موجی از نگرانی و انتقاد را در میان محافل سیاسی و اجتماعی مدافع حقوق مهاجرین برانگیخت. برای نمونه خانم «آنان چیاپا» مدیر اجرایی «شورای قومی-فرهنگی کانادا» ابراز عقیده نمود که گزارش مذکور به آن دسته از کسانی که مهاجرین را معضل جامعه می دانند، کمک می کند که توجیهات جدیدی برای مواضع خود پیدا کنند. وی افزود که این عده مشکلات اقتصادی موجود را نه ناشی از سیاست های قطع بودجه اجتماعی که مانع از انطباق سریع مهاجرین با جامعه کانادا می شود، بلکه ناشی از ورود مهاجرین جدید و تراکم آنها در شهرهای بزرگ می دانند. این عده البته نمی گویند که به چه دلیل اکثریت مهاجرین و پناهندگان ترجیح می دهند که در شهرهای بزرگ سکونت گزینند؟! دلیلش اولاً ترس از برخوردهای نژادپرستانه در مناطق روستایی و شهرهای کوچک و ثانیاً وجود امکان اشتغال و نیز انتگره شدن سریع در شهرها و ثالثاً برخورداری از چتر حمایتی افراد متعلق به یک ملت و یا فرهنگ در جوامع شهری است. در همین رابطه خانم «هدی فرای» وزیر سابق امور مولتی کالچرالیزم خاطر نشان نموده که به دلیل سابقه طولانی پدیده مهاجرت در کانادا و نیز وجود فرهنگ دیرپای تحمل و مدارا (تولورانس) اعلام خطر گزارش اخیر در مورد احتمال «شورش ها و برخوردهای نژادی» را غیر واقعی ارزیابی کرد و گفت که کانادا با کشورهای اروپایی فرق اساسی دارد. لازم به ذکر است که پاره ای از سیاستمداران دست راستی کانادایی، با اشاره به روند روبه رشد نژاد پرستی و نئوفاشیسم در اروپای غربی و توفیقات اخیر راسیست ها در پاره ای از کشورهای (اتریش، فرانسه، هلند ...) خواستار پیشگیری از آن در کانادا از طریق محدود سازی سیاست های مهاجرتی و پناهندگی دولت کانادا هستند. مشکلات اقتصادی موجود و فضای سیاسی پس از واقعه ۱۱ سپتامبر نیز به این طیف بندی سیاسی نظام سرمایه داری کانادا کمک می کند تا اهداف دیرینه راسیستی، ضد پناهندگی و ضد کارگری خود را چهار نعل دنبال کنند. در همین راستاست که تحت فشار محافل و احزاب مذکور، سخت گیری های زیادی در مورد پناهندگی، مهاجرت، مسافرت و تحصیل اتباع متعلق به کشورهای آسیایی بویژه خاورمیانه توسط حکومت فعلی کانادا در پیش گرفته شده است که در واقع بیانگر نوعی تبعیض میان اروپایی تباران و غیر اروپایی تباران می باشد.

هفته نامه پیوند ، چاپ کانادا ، شماره ۴۴۳